

# درآمدی بر علم رجال

ترجمه و تحقیق مقدمه «معجم رجال الحديث»

آیت‌الله العظمی سیدابوالقاسم خویی (ره)

ترجمه و تحقیق

عبدالهادی فقهی‌زاده  
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۳

## فهرست مطالب

۹.....	چکیده کتاب درآمدی بر علم رجال .....
۱۱ .....	مقدمه مترجم (چاپ دوم) .....
۱۵ .....	مقدمه مترجم (چاپ اول) .....
۱۹ .....	مروری کوتاه بر زندگی و آثار آیت‌الله خویی (ره).....
۲۷ .....	مقدمه اول .....
۲۸ .....	نیاز به علم رجال .....
۳۲ .....	عدم قطعیت صدور روایات کتب اربعه .....
۵۳ .....	مقدمه دوم.....
۵۴ .....	طرق اثبات وثاقت و حُسن راویان .....
۵۴ .....	۱. تصریح یکی از معصومان(ع).....
۵۶ .....	۲. تصریح یکی از بزرگان متقدم .....
۵۹ .....	۳. تصریح یکی از بزرگان متأخر .....
۶۳ .....	۴. ادعای اجماع از سوی اقدمین .....
۶۵ .....	مقدمه سوم .....
۶۶ .....	توثیقات همگانی.....
۷۵ .....	مقدمه چهارم .....
۷۶ .....	گفتگو درباره سایر توثیقات همگانی .....
۷۶ .....	۱. اصحاب امام صادق(ع) در رجال شیخ طوسی .....

۲. سند اصحاب اجماع ..... ۷۹
۳. روایت صفوان و هم‌ردیفان او ..... ۸۳
۴. واقع شدن در سند محکوم به صحت ..... ۹۷
۵. وکالت امام(ع) ..... ۹۹
۶. استادی کتاب‌های حدیث ..... ۱۰۱
۷. مصاحبت با معصومان(ع) ..... ۱۰۲
۸. تألیف کتاب یا اصل ..... ۱۰۲
۹. طلب آموزش یکی از بزرگان ..... ۱۰۲
۱۰. کثرت نقل از معصومان(ع) ..... ۱۰۳
۱۱. قرار گرفتن راوی در عداد مشیخه صدوق ..... ۱۰۵
- مقدمه پنجم ..... ۱۰۹
- تأملی در احادیث کتب اربعه ..... ۱۱۰
- نگاهی به صحت احادیث کافی ..... ۱۱۰
- نگاهی به صحت احادیث من لا یحضره الفقیه ..... ۱۱۵
- نگاهی به صحت احادیث تهذیب و استبصار ..... ۱۱۶
- مقدمه ششم ..... ۱۲۱
- اصول رجالی ..... ۱۲۲
۱. رجال برقی ..... ۱۲۲
۲. رجال کشی ..... ۱۲۲
۳. رجال شیخ طوسی ..... ۱۲۳
۴. فهرست شیخ طوسی ..... ۱۲۳
۵. رجال نجاشی ..... ۱۲۳
- فهرست منابع ..... ۱۳۳
- نمایه ..... ۱۳۷

## چکیده کتاب در آمدی بر علم رجال

درآمدی بر علم رجال ترجمه مقدمات شش گانه کتاب بیست و سه جلدی معجم رجال الحدیث است که مؤلف دانشمند آن در مقدمه اول کتاب، ضمن بحث درباره ضرورت مراجعه به علم رجال در استنباط احکام شرعی، با دلایلی روشن و استوار به ابطال دیدگاهی پرداخته است که کتب اربعه را قطعی الصدور می داند. وی در مقدمه دوم، مهم ترین معیارهای تشخیص وثاقت یا حسن راویان را تصریح معصوم، تصریح یکی از بزرگان متقدم یا متأخر و ادعای اجماع از سوی اقدمین برشمرده است.

مؤلف در مقدمه های سوم و چهارم، با گفتگو از توثیقات همگانی، اثبات کرده است که توثیقات تضمینی با توثیقات مطابقه ای هم پایه اند؛ چنان که در همین دو مقدمه به نفی دلالت توثیق در برخی اظهارات علما که گروهی از دانشمندان از آن ها مفهوم توثیق همگانی فهمیده اند، پرداخته است. همو در مقدمه پنجم، صحت کلیت احادیث کتب اربعه را مورد تردید قرار داده و اثبات کرده است که در آن موارد نیز برای تشخیص سره از ناسره باید به بررسی هریک از احادیث از حیث سند پرداخت. مؤلف سرانجام با معرفی اجمالی کتب اصلی علم رجال، در نسبت کتاب الضعفاء به ابن غضائری تشکیک و اثبات کرده است که مخالفان شیعه آن را بر ساخته و به او نسبت داده اند.

## مقدمه مترجم (چاپ دوم)

شناسایی حال راویان احادیث از حیث وثاقت و ضعف، شیوه‌ای است که اصحاب ائمه(ع)، عملاً آن را راهی به شناخت صحت و سقم منقولات روایی قرار داده‌اند؛ ائمه(ع) نیز با تأیید لاقول فی الجملة این روش علمی، گاه دربارهٔ راویان موثق و ضعیف اظهار نظر و از این رهگذر، اصحاب خود را در اتخاذ موضع صحیح در قبال مرویات آنان کمک کرده‌اند. دو نمونه از این اظهار نظرها عبارتند از:

۱. شاهد آنکه عدهٔ پرشماری از اصحاب ائمه(ع)، کتابها و رساله‌هایی دربارهٔ رجال حدیث رقم زده‌اند. این روش پس از غیبت امام عصر(ع) نیز در میان علمای برجستهٔ شیعه ادامه یافت؛ تا دوران فحول دانشمندان رجال‌شناس فرارسید و مکتوبات پیش‌گفته عملاً دستمایهٔ تدوین نخستین «جوامع رجالی» قرار گرفت؛ چنان‌که یکی از محققان، تعداد مؤلفان کتاب‌ها و رساله‌های رجالی عصر ائمه(ع) از عبیدالله بن ابی رافع، کاتب اصم‌علی(ع) تا دوران شیخ طوسی (۴۶۰ ق.) و نجاشی (۴۵۰ ق.) را هفتاد و اندی معرفی کرده است که گروهی از آنان عبارتند از: حسن بن محبوب (۲۲۴ ق.) از اصحاب امام کاظم(ع) و امام رضا(ع)، محمدبن خالد برقی (۲۴۵ ق.)، از اصحاب امام کاظم(ع)، امام رضا(ع) و امام جواد(ع)، فضل‌بن شاذان (۲۶۰ ق.) از اصحاب امام رضا(ع)، امام جواد(ع)، امام هادی(ع) و اصم‌عسگری(ع)، سعدبن عبدالله قمی (۳۰۰ ق.) از اصحاب امام عسگری(ع)، ابن‌عقده احمدبن محمدبن سعید الهمدانی (۳۳۲ ق.)، محمدبن یعقوب کلینی (۳۲۹ ق.) و ابن بابویه قمی - معروف به شیخ صدوق (۳۸۱ ق.) (ر.ک. النمازی الشاهرودی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۷۳ تا ۷۵).

(الف) از امام صادق (ع) نقل است که: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ صَادِقُونَ لَا نَخْلُو مِنْ كَذَابٍ يَكْذِبُ عَلَيْنَا وَ يُسْقِطُ صِدْقَنَا بِكَذِبِهِ عَلَيْنَا عِنْدَ النَّاسِ - كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صِ أَصْدَقَ الْبَرِيَّةِ لَهْجَةً وَ كَانَ مُسْتَلِمَةً يَكْذِبُ عَلَيْهِ وَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَصْدَقَ مَنْ بَرَأَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ كَانَ الَّذِي يَكْذِبُ عَلَيْهِ وَ يَعْمَلُ فِي تَكْذِيبِ صِدْقِهِ بِمَا يَفْتَرِي عَلَيْهِ مِنَ الْكُذِبِ عَبْدُ اللَّهِ بْنِ سَبَّأٍ... ثُمَّ ذَكَرَ الْمُغِيرَةَ بْنَ سَعِيدٍ وَ بَزِيعاً وَ السَّرِيَّ وَ أَبَا الْخَطَّابِ وَ مَعْمَرًا... فَقَالَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ إِنَّا لَا نَخْلُوا مِنْ كَذَابٍ يَكْذِبُ عَلَيْنَا».

(ب) از امام صادق (ع) نقل است که: «بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ بِالْجَنَّةِ بُرَيْدِ بْنِ مَعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ وَ أَبُو بَصِيرٍ لَيْثُ بْنُ الْبَخْتَرِيِّ الْمُرَادِيُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَ زُرَّارَةُ أَرْبَعَةٌ نُجَبَاءٌ».

بنابراین، می توان گفت اصحاب و علمای شیعه از دوره حضور ائمه (ع) به این روش توجه داشته اند و با پرداختن به احوال راویان از حیث دقت و ضبط، عملاً به نیازمندی به علم رجال گواهی داده اند<sup>۳</sup> و به ویژه در هنگام بروز تعارض ادله احکام، به وثاقت و ضعف راویان، دست کم به چشم قرینه ای بر صدور یا عدم صدور روایات نگریسته اند.<sup>۴</sup>

این رویکرد علمی، بیش و کم از آن زمان تا دوران معاصر استمرار یافته و دانشمندان شیعه، علی رغم اختلاف آنان در مسلک علمی، از آن پیروی کرده اند و از همین رو، در اصل نیاز به علم رجال در میان عالمان

۱. الحسینی الاعرجی، *عدة الرجال*، ج ۱، ص ۴۰۷-۴۰۸ (برای آگاهی از برخی نمونه های دیگر،

رک. همان، ج ۱، ص ۴۰۴-۴۰۵؛ ج ۱، ص ۳۰۱).

۲. همان، ج ۱، ص ۴۳۸ (برای آگاهی از برخی نمونه های دیگر رک. همان، ج ۱، ص ۸۲-۸۳).

۳. رک. عبید، *دروس فی علم الرجال التطبیقی*، ص ۳۲.

۴. رک. خوبی، *معجم رجال الحدیث*، ج ۱، ص ۲۰ و عبید، *دروس فی علم الرجال التطبیقی*، ص

شیعی، کمتر اختلاف وجود دارد؛ هر چند گفتگوهای میان آنان، درباره اندازه کارایی علم رجال یا چگونگی و حوزه به کار بستن آن وجود دارد.<sup>۱</sup> با دور شدن از زمان صدور روایات، اندک‌اندک احساس نیاز به شناخت راویان ادله احکام و معارف دینی تشدید شد و تألیفات متعددی در این حوزه شکل گرفت که مهم‌ترین آن‌ها/اصول رجالی است. آنگاه دسته‌ای از دانشمندان شیعه، مشخصاً در دوره متأخران و معاصران، آثار دیگری با جهت‌گیری‌های متفاوت رقم زدند که بر غنای تحقیقات رجال‌شناسانه افزود و به تعمیق بیشتر این قبیل پژوهش‌ها کمک کرد.

یکی از این قبیل پژوهش‌های معاصر که ویژگی‌های علمی قابل ملاحظه‌ای دارد، معجم رجال‌الحديث تألیف مرجع نامدار شیعه آیت‌الله سیدابوالقاسم خوبی(ره) است. او در دیباچه کتاب، از برخی اصول و قواعد علم رجال سخن گفته و بعضی از مبانی نظری خود را - که مستقیم و غیرمستقیم به نحوه مواجهه او با علم اُسماء الرجال اثر گذاشته - روشن کرده است. این دیباچه علمی سودمند، شامل شش مقدمه کوتاه و بلند است که ما آن را در مجموعه‌ای یکپارچه، به فارسی برگردانده و در آمدی بر علم رجال نامیده‌ایم و اکنون پس از گذشت چهارده سال از نخستین دوره چاپ و نشر آن، مجدداً آن را همراه با ویرایش علمی و ادبی و افزودن پانوشته‌های تحقیقی، توضیحی و نقدی و بعضاً ارجاع به منابع مورد استفاده مؤلف<sup>۲</sup>، به دانش‌طلبان علوم اسلامی و خصوصاً دانشجویان علوم قرآن و حدیث تقدیم می‌کنیم؛ امید که این گام کوتاه در

۱. برای آگاهی از تفصیل مطلب و اختلاف اصولیان و اخباریان در این زمینه، رک. الحر العاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۰، ص ۶۱ تا ۱۱۲؛ همچنین رک. آصف‌محسنی، بحوث فی علم الرجال، ص ۱۰ تا ۱۲.

۲. همه پانوشته‌های موجود در کتاب حاضر به قلم مترجم نگاشته شده است.

خدمتگزاری به آستان مقدس اهل بیت عصمت و طهارت(ع) و عمومی کردن دانش دینی مؤثر بیفتد و با گام‌های بلندتری از سوی دانشوران و محققان دیگر در آثار مشابه، بیش از گذشته استمرار یابد.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

عبدالهادی فقهی‌زاده

۱۳۸۹/۵/۷ برابر با هفدهم شعبان المعظم ۱۴۳۱ ق.



## مقدمه مترجم (چاپ اول)

از روزی که حدیث شیعه پایه‌گذاری شد، «علم رجال» همراه با بسیاری از علوم اسلامی به عرصه ظهور آمد و رفته‌رفته شکل منسجمی به خود گرفت. در آغاز کار، یک معیار اساسی وجود داشت که حدیث صحیح را از ناصحیح بازمی‌شناخت. این معیار همان «فاسق نبودن راوی» بود. آنچه به این ملاک حجیت می‌داد، سخن قرآن بود که «إِنْ جَاءَكُمُ فَاسِقُ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا»<sup>۱</sup>. قرآن فاسقان را ناموثق خواند و از مسلمانان خواست تا بر آنان اعتماد نکنند. از همین جا بود که برای تمیز درست از نادرست احادیث، ضرورت شناخت احوال راویان، روشن گشت. در بدو امر، شناخت احادیث صحیح از سقیم، کار چندان مشکلی نبود. اما پس از چندی، نظر به دواعی گوناگون جعل حدیث و مقابله‌ای که از طرف مخالفان در برابر تفکر شیعی صورت می‌گرفت، کار تشخیص با مشکلاتی روبرو شد. از این رو، دانشمندان با هوشیاری و روشن‌بینی به کوشش پرداختند و معیارهای دیگری نیز عرضه کردند.

به هر حال، یک حکم آنگاه از سنت<sup>۱</sup> محسوب می‌گردد که از صدور آن از معصوم(ع) اطمینان حاصل شود؛ یا دلیلی قطعی<sup>۲</sup> در دسترس قرار گیرد که آن را برای مکلفان حجت نشان دهد. بر این اساس، ضروری است از احوال ناقلان احادیث، آگاه شویم تا بتوانیم به ارزیابی منقولاتشان بپردازیم و با آن صحیح حدیث را باز یابیم. علم رجال، دانش دیرینه‌ای است که با بهره‌گیری از کتاب‌های متعددی که در این زمینه به رشته تألیف کشیده شده، چنین رسالتی را برعهده گرفته است.

از این گذشته، جهان شاهد بالندگی و شکوفایی دانش‌های نوین ظهوری است که هریک به‌نوبه خود در رشد و تعالی جامعه انسانی مؤثرند. شاید از ویژگی‌های بارز دنیای معاصر، ظهور علوم تازه‌ای باشد که نسبت به دانش‌های پیشین از فراگیری بیشتری برخوردارند. باین‌همه، هنوز بسیاری از علوم که در گذشته، اذهان را به خود مشغول ساخته، به وادی فراموشی سپرده نشده است.

علم رجال، از جمله این علوم است که هنوز همچون ضرورتی دیرپا مورد توجه است. این دانش با فقه، اخلاق، تفسیر، عقاید و... ارتباط دارد؛ هرچند تاکنون عملاً بیشتر مورد توجه فقیهان قرار گرفته است.

بی‌گمان شناخت صحیح اسلام، آگاهی درستی از مبانی تفکر و اندیشه اسلامی می‌طلبد که بخش عمده آن از سنت سرچشمه می‌گیرد؛ نقش

۱. سنت در نزد شیعه، «قول»، «فعل» و «تقریر» (تصویب) معصوم(ع) را گویند (ر.ک. فیض، *مبانی فقه و اصول*، ص ۲۸). و در تعبیر عامه، عبارت است از قول، فعل و تقریر پیامبر اکرم(ص) و صحابه (ر.ک. ابوریة، *اضواء علی السنة المحمدية*، ص ۳۹).

۲. دلایل قطعی، دلایلی هستند که منجر به اطمینان از صدور حکم می‌شوند. این دلایل، در نتیجه قطع و اطمینانی که از آن‌ها حاصل می‌شود، حجت به‌شمار می‌روند (الصدر، *دروس فی علم الاصول*، ج ۱، ص ۵۵).

سنت در شکل‌دهی به ساختار اندیشه اسلامی، غیر قابل انکار است، چنان‌که تمامی فرق اسلامی به آن اذعان دارند. بنابراین در موارد بسیار، برای شناخت دقیق اسلام ناگزیر باید به سنت مراجعه کرد؛ اما در مقام بیان اندیشه اسلامی، طبعاً نمی‌توان تنها به طرح احادیث صرف‌نظر از صحت و اعتبار آن‌ها پرداخت؛ بلکه باید راهی را جستجو کرد که اعتبار احادیث را نشان دهد و این مطلوب دست‌یافتنی نیست؛ مگر با دستیابی به مقدمات آن.

از سوی دیگر، فراگیری و آموختن علوم مقدماتی اسلام - از جمله زبان عربی - برای همگان میسر نیست و از این‌رو، شناخت اسلام همه‌جا نمی‌تواند تخصصی و ژرف باشد. بر این اساس، شایسته است که کلیات علوم تخصصی اسلامی به زبان‌های گوناگون ترجمه گردد و در دسترس دانش‌پژوهان واقع شود تا همگان با امکان بیشتری، گرچه به اجمال و غیرتخصصی، از آن بهره‌گیرند.

بنابراین درصدد برآمدیم تا مقدمه کتاب معجم رجال‌الحديث تألیف آیت‌الله حاج سیدابوالقاسم خوینی(ره) را ترجمه کنیم و در مواقع ضرورت، توضیحاتی را به صورت پانوشت بر آن بیفزاییم.

### محتوای کلی کتاب درآمدی بر علم رجال

در مدخل معجم رجال‌الحديث ضمن شش مقدمه، موضوعاتی در علم رجال مورد بحث و کند و کاو قرار گرفته است:

مؤلف دانشمند آن، در مقدمه نخست، ابتدا به بحث درباره ضرورت مراجعه به علم رجال در استنباط احکام شرعی پرداخته و به دنبال آن به ابطال نظراتی رو آورده است که نیاز به علم رجال را انکار می‌کند؛ سپس

در قطعیت صدور مجموعهٔ احادیث کتب اربعه<sup>۱</sup> تشکیک و آرای اخباریان دربارهٔ قطعیت صدور همهٔ احادیث کتب اربعه از ائمه(ع) را ارزیابی کرده و پس از طرح و نقد دلایل اخباریان به این نتیجه رسیده است که آنان در استنباط‌های خود راه خطا پیموده‌اند.

در مقدمهٔ دوم، سخن دربارهٔ معیارهایی است که در تشخیص وثاقت و حُسن راویان کارگشا به‌شمار می‌روند و با دقتی که در آن به کار رفته، در نهایت به مرزبندی قواعد توثیق انجامیده است.

مقدمهٔ سوم، در باب توثیقات همگانی است. در این مقدمه، مؤلف معجم رجال‌الحدیث، توثیقات همگانی و فردی را همسان و هم‌پایه دانسته و به وثاقت کلیهٔ راویانی که در زنجیرهٔ اسناد «تفسیر علی‌بن ابراهیم قمی» و «کامل‌الزیارات» واقعند، حکم کرده است.

در مقدمهٔ چهارم، بار دیگر از توثیقات همگانی سخن رفته است. مؤلف در این زمینه، نصوصی ارائه داده است که به گمان برخی از محققان، مفید توثیقات همگانی‌اند؛ اما از نظر او، از دلالت توثیق خالی‌اند و از این‌رو، از حیث اعتبار ساقط.

در مقدمهٔ پنجم، سخن بر محور صحت احادیث کتب اربعه می‌چرخد. در این مقدمه، مؤلف دلایل موافق صحت همهٔ روایات کتب اربعه را در ترازوی نقد می‌نهد و از اعتبار می‌اندازد و بر این نکته تأکید می‌ورزد که وجود برخی احادیث غیرصحیح در کتب اربعه، ایجاب می‌کند که برای تمیز صحیح از

۱. کتب اربعه: کتب اربعهٔ شیعه عبارتند از: الف- کتاب کافی، از ثقة‌الاسلام محمدبن یعقوب کلینی، متوفا به سال ۳۲۹ هـ. ب- کتاب من لا یحضره الفقیه، از شیخ صدوق محمدبن علی‌بن بابویه قمی، متوفا به سال ۳۸۱ ق. ج و د- تهذیب و استبصار، از شیخ طوسی متوفا به سال ۴۶۰ هـ.

سقیم احادیث، سند هر روایت را جداگانه کاوید و چنانچه شرایط حجیت در آن فراهم باشد، باید آن را پذیرفت و درغیراین صورت، نه.

مؤلف در ششمین مقدمه، به اختصار به معرفی اصول پنج‌گانه رجالی<sup>۱</sup> پرداخته و در درستی نسبت کتاب *رجال* به ابن‌الغضائری تردید افکنده است و ضمن طرح شبهات و اقوال دال بر عدم صحت انتساب کتاب *رجال* به ابن‌الغضائری، نتیجه گرفته است کتاب مذکور، ساخته مخالفان شیعه است که آن را به او نسبت داده‌اند و ازاین‌رو، حجیت ندارد.

### مروری کوتاه بر زندگی و آثار آیت‌الله خویی (ره):

سیدابوالقاسم‌بن علی اکبربن هاشم موسوی خویی در پانزدهم رجب ۱۳۱۷ ق. در شهر خوی دیده به جهان گشود. پدر او پس از اختلاف نظری که در جریان نهضت مشروطیت بین علمای آن عصر رخ داد، مجبور شد به نجف اشرف هجرت کند. خود وی نیز بعد از گذشت دو سال از این ماجرا، در سال ۱۳۳۰ ق. به آنجا عزیمت کرد و در آن دیار، مدارج علمی را گذراند.

### استادان و تألیفات

آیت‌الله خویی در نجف اشرف از مجالس درس بزرگان بسیاری بهره برد که از جمله آنان می‌توان از علمای زیر نام برد:

۱. شیخ فتح‌الله مشهور به شیخ‌الشریعه اصفهانی (۱۲۶۶-۱۳۹۹).

۲. شیخ ضیاء‌الدین عراقی (۱۲۷۸-۱۳۶۱).

۳. شیخ محمدحسین اصفهانی مشهور به کمپانی (۱۲۹۶-۱۳۶۱).

۱. اصول رجالی عبارتند از: الف - رجال برقی، ب - رجال کشی، ج - رجال شیخ طوسی، د - فهرست شیخ طوسی و ه - رجال نجاشی (خویی، معجم *رجال‌الحديث*، ج ۱، ص ۱۰۱).

۴. شیخ محمدحسین نائینی (۱۲۷۷-۱۳۵۵).

۵. شیخ محمدجواد بلاغی (۱۲۸۲-۱۳۵۲).

۶. سیدحسین یادکوبی (۱۲۹۳-۱۳۵۸).

آیت‌الله خویی<sup>(ره)</sup> در بیست و پنج سالگی نخستین کتاب خود را به نام *نفحات الاعجاز فی ردّ حسن الايجاز* در نجف اشرف نشر داد. این کتاب که در واقع دفاعیه‌ای از ساحت مقدس قرآن کریم به‌شمار می‌رود، در پاسخ به کتاب *حسن الايجاز فی ابطال الاعجاز*، نوشته نویسنده‌ای امریکایی به نام نصیرالدین ظافر تدوین شده است. شش سال بعد، نشر جلد اول *تقریرات* درس اصول آیت‌الله نائینی، او را به‌عنوان مجتهدی جوان به حوزه‌های علمیه معرفی ساخت. در همین اثنا گروهی از بزرگان علمای نجف مانند: نائینی، کمپانی، عراقی، بلاغی، میرزا آقا شیرازی و ابوالحسن اصفهانی بر مقام علمی و اجتهاد وی گواهی دادند.

به‌دنبال گواهی این بزرگان به جایگاه فقه‌ای آیت‌الله خویی<sup>(ره)</sup>، نخستین بار، تدریس مرحله عالی خارج فقه و اصول وی در مسجد خضرای نجف برگزار شد. او در سایه شصت سال تدریس مداوم امکان یافت جمع کثیری از علمای جهان اسلام را در دامن خویش بیوراند و علوم آل محمد(ص) را ترویج کند. تدریس چندین کتاب فقهی و دو دوره خارج مکاسب بر مبنای مکاسب شیخ انصاری به همراه دوره کامل کتاب *صلوة*، حاصل زحمات او در بیست و پنج سال اولیه‌ای است که به تدریس اشتغال یافت. پس از آن، از سال ۱۳۷۷ ق. تدریس فروع فقهی *عروة الوثقی* را آغاز کرد که سی سال ادامه یافت و این‌چنین، تعلیم دوره‌ای کامل از فقه استدلالی به پایان رسید.

فقه، اصول، رجال و علوم قرآنی زمینه‌هایی است که آیت‌الله خویی<sup>(ره)</sup>

در آن‌ها قلم زده است. آرای آیت‌الله خویی<sup>(ره)</sup>، در زمره اساسی‌ترین نظرات فقه و اصول در حوزه‌های علمی شیعه است؛ چنان‌که امروزه شاید هیچ کرسی تدریس فقهی یا اصولی را نمی‌توان یافت که از کنار نظرات این فقیه و اصولی بزرگ بی‌اعتنا بگذرد. کتاب *البیان فی تفسیر القرآن* که به بحث و گفتگو دربارهٔ امهات مباحث علوم قرآن پرداخته است، به‌خوبی نشان می‌دهد که نویسندهٔ دانشمند آن علاوه بر فقه و اصول، در علوم قرآنی نیز صاحب‌نظر است.

باین‌همه، آیت‌الله خویی<sup>(ره)</sup> در فقه و اصول تألیفات فراوانی ندارد؛ اما به همت برخی از شاگردان او اکنون تقریرات بسیاری از دروس فقه و اصول وی در دسترس قرار گرفته است. بنابراین، آثار چاپ‌شدهٔ ایشان را باید به دو بخش جداگانه تقسیم کرد: ۱. آثاری که خود به رشتهٔ تألیف کشیده است، ۲. تقریرات شاگردان از دروس فقه و اصول.

#### آثار آیت‌الله خویی<sup>(ره)</sup>

##### الف - تفسیر و علوم قرآنی

۱. *نفحات الاعجاز فی ردِّ حسن الایجاز*، نجف، ۱۳۴۲ ق.

۲. *البیان فی تفسیر القرآن*، نجف، ۱۳۷۵ ق.

##### ب - علم رجال احادیث

*معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال*، در بیست و سه جلد، چاپ اول، نجف، ۱۳۹۸ ق.؛ *معجم رجال الحدیث* دایرةالمعارف‌گونه‌ای رجالی است که به بررسی رجال‌شناسانهٔ زندگی و شخصیت رجال حدیث می‌پردازد. این کتاب از جهاتی قابل توجه است، از جمله توضیح اسمای متحدی که در عناوین مختلفند؛ اما در شخص متحد و تمیز مشترکات احادیث از رهگذر نقل همهٔ روایات راویان و مروی عنهم آنان و روشن

ساختن طبقات رواة و تبیین اختلاف نقل در کتاب‌ها. در این موارد گاه اختلاف بین کتب اربعه است و گاه در نسخه منقول از آن‌ها؛ مانند اختلاف وافى با وسائل و اختلاف در ضبط اسم‌های رجال.

ج - اصول فقه

أجود التقریرات: دورة دوم مباحث اصول میرزای نائینی (ره).

د - فقه

۱. تعلیقة على العروة الوثقى که هم مستقلاً و هم در حاشیة عروه به

چاپ رسیده است.

۲. تعلیقه بر رساله توضیح المسائل آیت‌الله بروجردی (ره).

۳. تهذیب و تتمیم منهاج‌الصالحین، رساله فتوایی آیت‌الله حکیم (ره). این کتاب همراه با اضافاتی به‌خصوص در باب معاملات، به نام منهاج‌الصالحین فی العبادات و المعاملات، در دو جلد نشر یافته و گزیده آن تحت عنوان المسائل المنتخبة و خلاصة آن با نام تلخیص‌المنتخب، منتشر شده است.

۴. تکملة منهاج‌الصالحین.

۵. مبانی تکملة المنهاج در شرح کتاب تکملة منهاج‌الصالحین؛ در

مباحث حقوق جزای اسلامی و بیان مستندات فقهی آن.

۶. مستحدثات المسائل، منیة المسائل و مسائل و ردود؛ پاسخ

استفتائات درباره مسائل مستحدثه.

۷. التنبيه على حكم اللباس المشكوك فيه، نجف ۱۳۶۱ ق.

۸. تعلیقة على المسائل الفقهية.

۹. مناسک الحج.

۱۰. تعلیقة المنهج لأحكام الحج.



## تقریرات شاگردان

فقه

۱. التنتیج فی شرح العروة الوثقی؛ در اجتهاد و تقلید و طهارت و صلاة،  
تألیف میرزا علی غروی تبریزی.

۲. مستند العروة الوثقی؛ در صلوة و صوم و خمس و اجاره، تألیف  
مرتضی بروجردی.

۳. معتمد العروة الوثقی؛ در باب حج، تألیف سیدرضا موسوی خلخالی  
(۲ ج).

۴. مبانی العروة الوثقی، تألیف فرزند ایشان، سیدمحمدتقی خویی، (۴ ج).

۵. مدارک العروة الوثقی با عنوان دروس فی فقه الشیعه در طهارت،  
تألیف سیدمهدی موسوی خلخالی.

۶. تحریر العروة (۱ ج).

۷. فقه العترة (۲ ج).

۸. مصباح الفقاهة فی المعاملات (دوره مکاسب شیخ انصاری)، تألیف  
محمدعلی توحیدی (۷ ج).

۹. محاضرات فی الفقه الجعفری: المكاسب المحرمة، تألیف سیدعلی  
حسینی شاهرودی (۲ ج).

۱۰. المعتمد فی شرح المناسک، تألیف سیدرضا موسوی خلخالی (۳ ج).

۱۱. الدرر النوالی فی فروع العلم الاجمالی، تألیف رضا لطفی، نجف،

۱۳۶۷ ق.

اصول فقه

۱. محاضرات فی اصول الفقه (مباحث الفاظ)، تألیف محمداسحاق  
فیاض (۵ ج).

۲. مصباح‌الأصول؛ در باب قطع و ظن و شک و تعادل و تراجم، تألیف سیدمحمد سرور واعظ بهسودی (۲ ج).
۳. دراسات فی الأصول العملية، تألیف سیدعلی حسینی شاهرودی (۱ ج).
۴. الرأى السدید فی الاجتهاد و التقليد، تألیف میرزا غلامرضا عرفانیان یزدی خراسانی.
۵. مبانی الاستنباط (۲ ج).
۶. مصباح‌الأصول.
۷. جواهر‌الأصول.
۸. الأمر بین الأمرین.

### شاگردان

- از مشهورترین شاگردان آیت‌الله خویی(ره) می‌توان از علمای زیر نام برد:
۱. آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر(ره)، ۲. آیت‌الله سیدعلی سیستانی،
  ۳. آیت‌الله وحید خراسانی، ۴. آیت‌الله جواد تبریزی.

### تسلیمت و سپاس

در اثنای ترجمه این اثر، ضایعه ارتحال مؤلف معجم رجال‌الحديث، جهان اسلام و تشیع را در ماتم فروردد.

«حضرت آیت‌الله حاج سیدابوالقاسم خویی(ره) در بسیاری از علوم رایج در حوزه‌های علمیه از استادان مسلم و کم‌نظیر به حساب می‌آمد. فقیهی بزرگ و اصولی‌ای عمیق و مفسری نوآور و رجالی‌ای صاحب‌مکتب و متکلمی زبردست بود. آثار علمی ارزشمند این مرد بزرگ به ده‌ها جلد کتاب در فقه و اصول و تفسیر و رجال منحصر نمی‌شود؛ هزاران شاگرد

۱. آنچه در بخش مروری کوتاه بر زندگانی و آثار آیت‌الله خویی(ره) آمده، از شماره ۱۳ - ۱۴ مجله آیین پژوهش اقتباس و تلخیص شده است.

تربیت یافته در حوزهٔ دروس غنی و سرشار او هم‌اکنون در همهٔ بلاد اسلامی منتشرند.<sup>۱</sup>

ضایعهٔ فقدان این مرجع بزرگ را که از استوانه‌های علمی جهان تشیع در عصر حاضر به‌شمار می‌آمد، به محضر امام زمان (عج) و رهبر معظم انقلاب اسلامی و شیعیان جهان تسلیت می‌گوییم و علو درجات آن فقیه سعید را از خداوند متعال خواهانیم.

در پایان کلام بر خود فرض می‌دانم نخست از استاد گران‌مایه، جناب آقای محمدباقر بهبودی که با راهنمایی‌های ارزشمند خود بر این ناچیز منت نهادند، سپاسگزاری کنم و سپس از دوستان فاضل؛ آقایان: سیدهدایت جلیلی، عبدالستار مؤیدی و غلامعلی امامی‌مقدم که در ارائهٔ بهتر این کتاب مرا یاری رساندند.

عبدالهادی فقهی‌زاده

تهران، مهرماه ۱۳۷۱

۱. برگرفته از پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای.